

مروری کوتاه بر اندیشه‌های مرحوم آیت‌الله محمد عیسه محقق خراسانی



□ محمد نبی متقی

خلیلی به مقام شامخ اعلیحضرت همایون اهدا کرده و امیدوارم که مورد قبول آن شاه ادب دوست بگردد.» (المؤلفون الافغانیون المعاصرون، ص ۲)
در مرحله اول، خواندن این متن را غیرلازم می‌نماید؛ اما باتوجه به زیرکی و دانایی محقق خراسانی ودقت در تاریخ و مناسبات قدرت و سیاست در افغانستان، این اهدانامه می‌تواند بار معنایی خاصی داشته باشد. نوشتار حاضر کوشیده است متن فوق را با چنین رویکردی تحلیل و ارزیابی کند و در پایان نیز برخی مشکلات مزمن جامعه هزاره را در پرتواندیشه محقق خراسانی مروری کرده‌ایم.
بنده از سال ۱۳۵۹ ه. ش با مرحوم آیت‌الله محقق خراسانی^(۵) در مشهد مقدس آشنایی و ارتباط داشتم و

یکی از آثار ارزشمند مرحوم آیت‌الله محقق خراسانی کتاب «المؤلفون الافغانیون المعاصرون» است. از نکته‌های درخور توجه این کتاب، اهدای آن به محمد ظاهر شاه، پادشاه افغانستان است. در صفحه دوم این کتاب چنین می‌خوانیم: «الهدا:
الیک یا صاحب الجلاله المتوکل علی الله «محمد ظاهر شاه» الیک یا تفوق عصره بالعلم و النبوغ... اعلیحضرت، محبوب پادشاه عالی قدر عزیز افغانستان.
اعلیحضرت، ادب دوست و علم پرور.
اعلیحضرت، عدالت‌گستر و رمز سعادت کشور
اعلیحضرت، عزت‌بخش ملت و وطن
اعلیحضرت، مفخر ملوک و سلاطین
این اثر ناچیز را توسط سفیر کبیر، استاد خلیل‌الله



توسط بزرگان قومی. شاید ابراهیم خان اولین شخصیت و چهره تاریخی در تاریخ هزاره باشد که هم مبارزات مسلحانه اش غرور آفرید و انواع مالیات ها را از دوش مردم هزاره کاهش داد و هم آشتی و مصالحه اش با حکومت به صورت آبرومندانه ختم به خیر شد. اگرچه ابراهیم خان در سال های بعد در قالب تشکل دیگر اقدام به مخالفت با نظام پادشاهی افغانستان را کرد و سال ها محبوس شد.

باتوجه به جایگاه بلند فکری و توانایی علمی مرحوم آیت الله محقق خراسانی^(۹) به این نتیجه رسیدم که از نگاه ایشان، قیام مسلحانه و نیز صلح ابراهیم خان گاوسوار با حکومت محمد ظاهر شاه، نتیجه بخش بوده که مورد ستایش مکرر آیت الله محقق خراسانی^(۱۰) قرار دارد و اهدای کتاب به شاه افغانستان به هر دلیل نشان از همراهی و همبستگی با نظام سیاسی حساب می شود. به نظر ایشان نداشتن ارتباط و گفت و گوی سازنده و تعامل فعال با حاکمان و نهاد قدرت مشروع، یکی از ضعف های تاریخی و زیان بخش برای مردم و مصلحان جامعه و پیشتازان تحولات اجتماعی است و این رفتار الگو مانند آیت الله محقق خراسانی^(۱۱) به «محمد ظاهر شاه» در سال ۱۳۴۹ ه. ش، به گونه ای، حمایت از مشی صلح جویانه ابراهیم خان با دولت است و نشان از یک تغییر رویکرد مهم تاریخی در اتخاذ مواضع سیاسی و اجتماعی و خواسته های رهبران هزاره است. به ویژه آیت الله محقق خراسانی به عنوان اولین شخصیت مذهبی و ملی حساب می شود که با اهدای کتاب^(۱۲) به «محمد ظاهر شاه» به نحوی راه تعامل و سازگاری با حاکمیت را مطرح کرده است. دلیل این همه علاقه مرحوم محقق خراسانی به شخصیت ابراهیم خان، انگیزه اهدای کتاب به (محمد ظاهر شاه، پادشاه افغانستان) چیست؟

علامه محقق خراسانی^(۱۳) در اوج اقتدار فکری و علمی، همدلی و همراهی فکری با محمد ظاهر شاه و نظام حاکم در افغانستان را با وضاحت تمام مطرح کرده است و یکی از فضایل افغانستانی مقیم نجف در

در سال ۱۳۶۴ ه. ش همراه با مرحوم معصومی، مرحوم شهید شیخ قنبر فیاض و جمعی دیگر به درس فلسفتنای ایشان در مسجد چهارده معصوم^(۱۴) مقابل دفتر سازمان نصر شرکت می کردم. بعد از درس، مرحوم آیت الله محقق خراسانی راجع به مسائل جاری در جامعه اظهار نظر می کرد، از جمله به شخصیت ابراهیم خان گاوسوار ابراز علاقه شدید کرده و می گفت: «اگر سرمایه و توان مالی می داشتم، مجسمه این قهرمان را از طلا می ساختم.» این جمله را در دیگر محافل رسمی هم از زبان ایشان بارها شنیدم.

یکی از علاقه مندان ایشان کسی به نام سلیمان کربلایی بود که در ایام محرم و یا سایر مناسبت ها، سخنران مجلس آقای سلیمان کربلایی همیشه آیت الله محقق خراسانی بود. حقیر مرتب در تمام این جلسات فعالانه شرکت می کردم. مرحوم آیت الله محقق خراسانی بعد از سخنرانی نیز جلسه را با زبان رسا و بیان شیوا، از خاطرات آموزنده خود گرم می کرد. از جمله با لحن حماسی و با احساس از شخصیت ابراهیم خان گاوسوار بسیار تمجید می کرد؛ ولی دلیلش را نمی دانم که چرا از میان آن همه چهره های بزرگ تاریخی هزاره، آیت الله محقق خراسانی از شدت علاقه به این چهره تاریخی هزاره، مجسمه اش را از طلا می سازد؟ محمد حسین ابراهیم زاده این خاطره را از زبان ایشان می گوید: «من تاریخ مظلومیت هزاره را به خوبی می دانم که مردم ما و شما برای این که مالیات سنگین دولت وقت را تأمین کنند، همه چیز خود را دادند، بعد گفت: به خدا قسم اگر توان مالی داشتم، مجسمه ابراهیم خان گاوسوار را از طلا می ساختم.» (برهانی شهرستانی، ۱۳۹۸: ۴۸۱)

رفع ابهام از علاقه آیت الله محقق خراسانی به ابراهیم خان گاوسوار

در کارنامه ابراهیم خان شهرستان، دو رویکرد مهم و سرنوشت ساز مشاهده می شود که شاید برای استاد محقق خراسانی هم مهم بوده است. نکته اول قیام مسلحانه به موقع برای نجات مردم و نکته دوم مصالحه و آشتی موفقیت آمیز با حکومت پادشاهی افغانستان

وصف بالندگی فکری ایشان در آن مقطع زمانی چنین اظهار کرده است: «یک امتیاز منحصر به فرد استاد محقق خراسانی آن است که در عهد اخیر، یک سره دم از استقلال فکری محصلین افغانستانی می‌زند؛ زیرا که تنها راه حل مشکلات را در (استقلال فکری) می‌داند و بدین سبب با کمال جرئت و صراحت لهجه، پیوسته همشهریان خود را مواخذه‌ای منطقی می‌کند و بحمدالله تعالی، همین گفته‌ها هم تا حدی اثر مثبتش محسوس شده است. من خیال می‌کنم عمده تلاش استاد محقق خراسانی در درجه دوم برای آن است که مصدر یک تحول شده و او را به نام یک رهبرانقلاب فکری افغانستانی در این عصر یاد کنند و بدین سبب ما هم این فصل از سوانح ایشان را به عنوان رهبرانقلاب فکری افغانستانی بحث کردیم و اکنون استاد محقق کاملاً به سید جمال الدین افغانی و علامه فقید بلخی خطواتی برمی‌دارد.» (المؤلفون الافغانیون المعاصرون، ص ۸۷)

دیدگاه فوق که در نجف اشرف سال ۱۳۴۹ ه. ش. تحریر شده است، نشان از تأثیرات عمیق اندیشه استقلال خواهی آیت الله محقق خراسانی در افکار فضلاء و علمای حوزه علمیه نجف اشرف دارد که نخبگان و محصلین افغانستان را به سمت توانمندسازی فکری و علمی دعوت می‌کرده است.

واقعیت این است که جامعه ما همیشه از دو نقطه ضعف آسیب دیده است:

۱. یکی از نقطه‌های ضعف تاریخی و آسیب پذیر جامعه هزاره، انتخاب سیاست‌های انزواگرایانه، گریز از مرکز اقتدار و اجتناب از همکاری فعالانه با نظام‌های حاکم بر افغانستان است. از این ناحیه بهای و خسارات سنگین پرداخت کرده‌اند. گزارش‌های مختلف از جنگ‌های هزاره‌ها و دولت‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از نزاع‌ها، خواسته‌ها و مطالبات هزاره‌ها، مشخص و روشن نیست و بعضاً مبهم، منطقه‌ای، قبیله‌ای، خانوادگی و فردی است مانند جنگ مردم ارزگان با امیر عبدالرحمان خان و جنگ و مقاومت هزاره‌ها در کوتل «اونی» علیه حبیب‌الله خان و قتل نادرشاه توسط عبدالخالق هزاره. رفع این روش خسارت

بار، راه ارتباط، مذاکره و گفت‌وگوی منطقی و رسمی بین طرفین نزاع است تا عناصر مغرض به عنوان دلال و میانجی، ثمره قیام‌ها و جنبش‌ها را به نفع شخصی خود مصادره نتوانند. البته قیام سرتاسری مردم مسلمان افغانستان علیه ارتش شوروی و مقاومت غرب کابل مسئله دیگری است؛ ولی تنها در قیام ابراهیم خان مشهور به گاوسوار است که خواسته‌ها و مطالبات این قیام از روزهای اول به صورت شفاف بیان شده است و بالاخره این مبارزه ضد ظلم و تبعیض نتیجه داد و هم منجر به صلح و آشتی با دولت شد.

اتحاد روش‌های پرهزینه و بی‌ثمر رهبران جامعه و مردم ما در حال حاضر هم جریان دارد. در این مدت نوزده سال عصر جمهوریت پسا طالبانی که براساس قرارداد بن، هزاره‌ها ملیت سوم و بیست فی صد از مناصب و کارکنان دولتی را سهم داشت و مورد استقبال مردم و جامعه هزاره قرار گرفت؛ ولی بار دیگر شاهد تکرار رفتارهای نسنجیده، احساساتی و مقطعی بوده‌ایم. هزاره‌ها با مشارکت همگانی و حضور پُرشور خود در انتخابات مهم و سرنوشت‌ساز چهار دور ریاست جمهوری، به نوعی سیاست‌گریز از مشارکت قانونمند و

بنیاد اندیشه
 تاسیس ۱۳۹۴

اتحاد روش‌های پرهزینه و بی‌ثمر رهبران جامعه و مردم ما در حال حاضر هم جریان دارد. در این مدت نوزده سال عصر جمهوریت پسا طالبانی که براساس قرارداد بن، هزاره‌ها ملیت سوم و بیست فی صد از مناصب و کارکنان دولتی را سهم داشت و مورد استقبال مردم و جامعه هزاره قرار گرفت؛ ولی بار دیگر شاهد تکرار رفتارهای نسنجیده، احساساتی و مقطعی بوده‌ایم.

حق طلبانه در قدرت مشروع را نشان دادند و بعضاً ژست ستیزنده با دولت را به خود گرفتند و اکثریت جامعه و مردم هزاره بی توجه به منافع و مصالح جمعی قوم و سنجش سود و زیان سیاسی از رأی دادن به کاندیدای پیروز، خودداری کردند و معاونت دوم هزاره را با کمترین رأی همراهی کردند که خلاف منطق و مصلحت سنجی قومی در چنین فرصت‌های کمیاب است. اگر این برداشت از رفتار اجتماعی مردم ما درست باشد که مردم و جامعه هزاره در طول تاریخ با نظام‌های حاکم بر افغانستان همیشه در حال قهر و گریز از مشارکت فعال بوده‌اند به گونه‌ای که در اندک فرصت‌های فراهم شده، باز هم وضعیت گریز از مشارکت در قدرت را به گونه‌ای با رفتارشان نشان دادند.

اهدای کتاب به (پادشاه افغانستان محمد ظاهر شاه) توصیه اکید و دلسوزانه به احزاب، روشنفکران، فعالان سیاسی و بزرگان جامعه هزاره است که راه و روش تعامل سازنده و مشارکت فعال با نظام‌ها و نهادهای مشروع افغانستان برای رفع اختلافات و حل معضلات،

محقق خراسانی از مشکلات وطن و اوضاع نا به سامان قوم خود نیز هیچ‌گاه غافل و بی اطلاع نبوده است. وی راجع به علل و عوامل عقب ماندگی مردم و جامعه هزاره تحقیق و مطالعه کرده بود. با بزرگان و کارشناسان امور جامعه و شخصیت‌های فرزانه مانند مرحوم محمد علی مدرس افغانستانی، آیت الله العظمی اسحاق فیاض، شهید علامه بلخی، ابراهیم خان گاو سوار و سلطان علی کشتمند برای رفع فقر، تبعیض و سامان دادن به نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه هزاره مباحثه، مشاوره و تبادل افکار داشت.

ثمربخش است.

این رویکر خراسانی در واقع روش مؤثر و مثبت سیاست‌ورزی برای تأمین مطالبات مشروع را به ما گوشزد می‌کند، به ویژه که بدانیم دیدگاه‌های سیاسی و علمی مرحوم آیت الله محقق خراسانی^(۶) اظهارات ساده و بیان بی‌مطالعه نیست. وی سال‌ها در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی اصول، فقه، فلسفه و منطق مطالعه، تحقیق و تدریس کرده است و در حوزه علمیه نجف اشرف در دهه چهل و پنجاه از استوانه‌های مهم علمی و فکری بود و مورد ستایش همه مراجع تقلید و علما و طلاب افغانستانی قرار داشت. در بیوت مراجع عراق، مرحوم آیت الله العظمی خویی^(۷) و امام خمینی^(۸) قدر و منزلت خاص داشت که خطابه‌های فصیح و بلیغ عربی و فارسی ایشان، حوزه علمیه نجف اشرف را از رکود و ایستایی به کانون زنده و فعال تبدیل کرده بود؛ لذا دیدگاه ایشان راجع به ارائه راه حل رفع مشکلات جامعه هزاره، اهمیت دو چندان دارد.

محقق خراسانی از مشکلات وطن و اوضاع نا به سامان قوم خود نیز هیچ‌گاه غافل و بی اطلاع نبوده است. وی راجع به علل و عوامل عقب ماندگی مردم و جامعه هزاره تحقیق و مطالعه کرده بود. با بزرگان و کارشناسان امور جامعه و شخصیت‌های فرزانه مانند مرحوم محمد علی مدرس افغانستانی، آیت الله العظمی اسحاق فیاض، شهید علامه بلخی، ابراهیم خان گاو سوار و سلطان علی کشتمند برای رفع فقر، تبعیض و سامان دادن به نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خراسانی در این برهه تاریخی، خود را متفکر مطرح و صاحب نظر و متعهد به راه حل معضلات گوناگون جامعه هزاره و علاقه مند به سرنوشت این قوم می‌دانسته است؛ لذا ضرورت دارد نظریات این حکیم فرزانه را بیش از پیش جدی بگیریم.

۲. نقطه دوم آسیب‌پذیری جامعه ما، خصلت ناسازگاری بزرگان قوم با هم است. ناسازگاری درون قومی تحت عناوین گوناگون رقابت‌های حزبی، منطقه‌ای، خانوادگی و شخصی دردی است بی‌درمان

که در شرایط بحرانی، فاجعه آفرین می شود. به این نقطه ضعف، استاد شهید مزاری شخصیت آشنا به تاریخ مقاومت ها و مبارزات مردم ما، مکرراً اشاره کرده است: «مردم قهرمان هزاره در زمان عبدالرحمان هفت سال جنگیدند... او هم عاجز آمده بود و لهذا از حيله کار گرفته یک سری از سران هزاره را خریدند» (جاوید جاوید، ۱۳۹۴: ۹۸) در سخنرانی دیگر فرموده: «عبدالرحمان در این جا دو کار کرد یک کارش این بود که این ها را بخرند و از بین شان خائن تربیت کنند تا علیه خود شان بجنگند» (همان: ۱۴).

و نیز در جای دیگر گفته است: «وقتی که عبدالرحمان در مقابل مردم هزاره شکست می خورد؛ در داخل اجتماع شان نفوذ می کند و از داخل این مردم را شکست می دهد.» (همان: ۲۱۹) و نیز در صفحه ۳۴۲ هم این زخم ناسور را یاد آوری کرده است: «نفاق و نزاع داخلی در همه جوامع است؛ ولی رقابت های قومی و اختلافات داخلی رهبران جامعه ما منجر به خلق فاجعه می شود.»

مطالعه جنگ مردم ارزگان با امیر عبدالرحمان خان در سال ۱۳۰۹ ه. ق، مقاومت کوتل اونی سال ۱۳۰۸ ه. ش و عدم توفیق شورای اتفاق انقلاب اسلامی در سال های ۵۸ تا ۱۳۶۴ ه. ش و تجزیه حزب وحدت اسلامی سال ۱۳۷۳ ه. ش در غرب کابل، نشان از ناسازگاری مداوم و خسارت بار درون قومی جامعه ما است، وجود این خصلت ناپسند اجتماعی به هر دلیل، زیان بار است. علامه فیض محمد کاتب هزاره در کتاب سراج التواریخ، رهبران هزاره را به جهت رقابت های فاجعه بار قومی مکرراً محکوم کرده است.

آیت الله محقق خراسانی به عنوان متفکر پیشتاز و آگاه به مشکلات درون قومی، این نقطه آسیب زای اجتماعی را دقیق متوجه بود است. در یک سخنرانی در دهه هفتاد، آسیب نفاق درون قومی را چنین هشدار می دهد: «طبق برداشت خودم، یکی از اسباب

شکست های ما در گذشته، همین اختلاف سلیقه ها و تعدد رهبری و الگوها بوده است... اگر همدیگر را نپذیرید و تحمل نکنید و وحدت و قدرت تان را به دست نیاورید، کسی به سخنان شما گوش نمی دهد؛ همان دیگرانی که این همه اشتراکات با آن ها دارید از پراکندگی شما سوء استفاده ها می کنند... در اوضاع نابه سامان امروز، این اختلاف زهرآگین نباید وجود داشته باشد، واقعاً کشنده است» (برهانی شهرستانی، ۱۳۹۸: ۲۶۶).

اختلافات درون قومی را از عوامل مهم شکست ها و حرمان های تاریخی گذشته و امروز می داند و مکرراً هشدار می دهد: «همیشه شکست ها روی اختلافات بوده است» (همان: ۲۶۶).

گرایش مصلحانه و ظرفیت بالای فکری خراسانی در محتوای کتاب «المؤلفون الأفغانیون المعاصرون» نیز تبارز یافته که رعایت انصاف را برای همه بزرگان کرده است. حضور تعیین کننده ایشان در تثبیت مرجعیت آیت الله العظمی محقق کابلی^(۹) و حمایت بی دریغ از رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان، استاد شهید عبدالعلی مزاری حاکی از اخلاص و آرمان بلند ایشان است که برای اتحاد و همبستگی کامل نیروهای فعال سیاسی و فکری و وحدت بخشی به رهبریت مردم ما تلاش خستگی ناپذیر کرد. □

منابع:

۱. برهانی شهرستانی، محمد علی (۱۳۹۸)، یادنامه آیت الله محمد عیسی محقق خراسانی، کابل: بنیاد اندیشه.
۲. جاوید جاوید، محمد (۱۳۹۴)، احیای هویت، کابل، نشر واژه.